|  |
| --- |
|  |

|  |
| --- |
| **بسم الله الرحمن الرحیم**  **احمد الحسن**  **\*www.almahdyoon.org\*** |
| **بسم الله الرحمن الرحیم**  **احمد الحسن**  **\*www.almahdyoon.org\*** |
| **بسم الله الرحمن الرحیم**  **احمد الحسن**  **\*www.almahdyoon.org\*** |
| **بسم الله الرحمن الرحیم**  **احمد الحسن**  **\*www.almahdyoon.org\*** |
| **بسم الله الرحمن الرحیم**  **احمد الحسن**  **\*www.almahdyoon.org\*** |
|  |

**رسالة الهداية**

(متن – ترجمه)

****

رسالة من السيد أحمــد الحســن

أجاب فيها سائلين من الأنصار

**احمد الحسن**

**\*www.almahdyoon.org\***

إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع) العدد (50)

**رسالة الهداية**

رسالة من السيد أحمــد الحســن (ع)

أجاب فيها سائلين من الأنصار

الطبعة الثانية

1431هـ - 2010 م

لمعرفة المزيد حول دعوة السيد أحمد الحسن (ع)

يمكنكم الدخول إلى الموقع التالي :

www.almahdyoon.org

**هذا الكتيب :**

**عبارة عن رسالـة وجهها وصي ورسـول الإمـام المهـدي ( مكن الله له في الأرض ) السيد أحمد الحسن إلى أنصار مغتربين في أستراليا ... بعد أن بعثوا برسالة إلى يماني آل محمد السيد أحمد الحسن.**

**لهذا رأى أنصار الإمام المهدي أن الفائدة قائمة بنشر هذه الرسالة ؛ لأنها عامة الفائدة غير منحصرة بمن وجه السيد الرسالة إليهم ... وإتماماً للفائدة أرفقنا رسالة الأنصار في مقدمة هذا الكتيب ... هذا وقد أثبتناها بنصها دون زيادة أو نقصان ... وأسمينا هذا الكتيب بـ ( رسالة الهداية ) .**

**ونسأل الله أن يمنّ علينا بحفظ أوليائه ... ويمكن لسيدنا ومولانا في أرضه ... إنّه نعم المولى ونعم النصير ... وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين ... وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً .**

اين كتاب :

عبارت از نامه ای است سرگشاده كه سيد احمد الحسن وصی ورسول امام مهدی  برای ياران(انصار) نزديك اش در استراليا نوشتند؛ بعد از اين كه نامه ای، برای يمانی آل محمد سيد احمد الحسن فرستاده بودند .

لذا برای استفاده ی همگان از علوم سید یمانی این متن مهم را در قالب این کتاب منتشر می کنیم، برای اتمام فايده نامه ی انصار را در مقدمه ی اين كتابچه قرار داديم... ومتن آن را بدون هيچ كم و كاستی ثبت كرديم... ونام اين كتاب را(نامه ى هدايت) گزاردیم.

از خداوند متعال در خواست می كنيم كه برما منت گذارد به حفظ اولياءاش... وبرای سيد و مولای ما مكنت و حكومت در زمين قرار دهد... بدرستی كه او بهترين نعمت دهنده و بهترين ياری كننده است... و دعای آخر ما اين است كه ستايش مخصوص پروردگار جهانيان است.

وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة و المهديين وسلم تسليماً .

**\* \* \***

**اللهم صلِّ على محمد وآلِ محمد الأئمة والمهديين**

**السلام عليكم ورحمة الله وبركاته**

**وبعد :**

**في الحقيقة لا أعرف من أين أبدأ وماذا أكتب ، فالكلام كثير جداً جداً ، ولكن ماذا أقول وماذا أعبّر عبر هذه السطـور القليلـة ، وهذه الورقة ( الصامـتة ) ، ولكن سوف أبدأ مثل ما ( يكولون ) من الوسط .**

**إلى السيد أحمد الحسن ( حفظه الباري ) وصي ورسول الإمام الحجة بن الحسن ( أرواحنا لتراب مقدمه الفداء وكل الفداء ) ..**

**سيدي الوصي : نحن اثنين ممن يعبدون الباري عز وجل ، ولا يعبدون أصنام المرجعية الساكتة عن الحق .**

در ادامه:

در حقيقت نمی دانم از كجا شروع كنم وچه چيزی را بنويسم، چراكه سخن بسيار بسيار زياد است، ولی چه چيزی را بگويم وچگونه تعبيركنم به وسيله ی اين چند سطركم، واين برگه(صامت)، ولی در حد توان شروع خواهم کرد.به سيداحمدالحسن(خداوند او را نگهدار) وصی(جانشين) ورسول امام حجت بن الحسن(جانمان فدای خاك پايش وقربان اويم)

آقايم ای وصی: ما دوتا از كسانی هستيم كه خدای مهربان عز وجل را عبادت می كنيم، وبت های مرجعيت ساكت از حق را عبادت نمی كنيم.

**والآن ، وبعد أن منّ الله تعالى علينا على يد الأخ حامل الرسالة ( أيده الله ) آمنا بك ، وأنك حقاً وصدقاً وصي ورسول الإمام الحجة بن الحسن ( عليهما السلام ) ، وإنّ من كذب بهذا وأنكر وصايتكم ورسالتكم سيدي هم فعلاً كافرون ، ومارقون عن الدين ، وسوف يكون خصمهم جدك رسول الله ، يوم لا تنفعهم كراسيهم ولا حواشيهم ، ولا الأموال الحرام التي أكلوها وبذروها على أمورهم الدنيوية ، فهؤلاء وأتباعهم الذين رأوا المعروف منكراً ، والمنكر معروفاً ( قاتلهم الله ) .**

واكنون، بعد از اينكه خداوند متعال برما منت نهاد، بوسيله ی برادری كه حامل نامه ات(خداوند او را تاييدكند) بود به شما ايمان آورديم، بدرستی شما بحق وصدق وصی ورسول امام حجت بن الحسن(عليهما السلام) وبه درستی آقايم كسی كه تكذيب كند اين را(ولایت)، وانكار كند جانشينی و رسالت تان، آنها اكنون كافراند، واز دین خروج کردند، و جدت رسول الله دشمن آنها خواهد بود، روزی که کرسی حکومت سودی برای آنها ندارد ونه اطرافیان(آشنایان) ونه اموال حرامی که خوردند و در امور دنیویشان خرج کردند. پس اینها و پیروانشان معروف را منکر دیدند و منکر را معروف .

**سيدي الوصي : أنا أحمد … والأخ صادق … نبايعك ونعاهدك على أنك حقاً وصدقاً وصي ورسول الإمام صاحب العصر والزمان الحجة بن الحسن ( عجل الله فرجه ) .**

ای سید(آقا) وصی: من احمد و برادرم صادق با شما بیعت می کنیم وبا تو پیمان می بندیم که بر حق وصدق هستی و وصی ورسول امام صاحب العصر و الزمان الحجه بن الحسن(عجل الله فرجه).

**وعلى أن نأتمر بأمرك وننتهي عند نهيك ، وأن نفديك بالغالي والنفيس وروحنا التي بين جنبينا .**

و براین هستم که به امر تو عمل می کنیم وبا نهی تو از عمل دست می کشیم و ارزشمند ترین و گرانقدر ترین چیزی که داریم برای تو قربانی می کنیم وآن همین جانی که دربدن داریم.

**وإن شاء الله نكون من الممهدين لدول الحق الإلهي ، التي مهد لها أنبياء الله ورسله . والرسول محمد خاتم الأنبياء والمرسلين ، وفداها الحسين الشهيد بدمه الطاهر وأصحابه ، ونظروا لها العترة الطاهرة وتمنوها .**

و اگر خدا بخواهد ما را از زمینه سازان دولت حق الهی قرار دهد، حکومتی که انبیاء خدا و پیامبرانش برای آن تمهید کردند، و پیامبر محمد(ص) خاتم پیامبران و رسولان وحسین(ع) ویارانش باخون پاک اش در این راه فدا شدند وعترت پاک(ائمه واطهار) به این راه نگرسیتند وآن را آرزو کردند.

**وعلى كل حال ، الآن رهن الإشارة منك سيدي ، ومن الإمـام القائم ( عجل الله فرجه المبارك ) . ونسأل الله تعالى أن تمنّ علينا بالدعاء لنا بالتوفيق والسداد ، وأن يجعلنا الله من أنصار الإمام المهدي ( أرواحنا فداه ) ، وأن نأخذ بثأر رسول الله وعلي وفاطمـة والحسن والحسين ( والعباس والشهداء ) والأئمة جميعاً ممن ظلمهم وقاتلهم ورضي على قوم قاتلوهم ، وأن نسر قلب الزهراء وأم البنين وزينب ورقية والآل الطاهرين .**

وبه هرحال اکنون با یک اشاره از شما آقایم، و از امام خاتم(عجل الله فرجه) واز خداوند متعال می خواهیم که برما منت بگذارید وبرای موفقیت مان دعا کنید، وخداوند مارا از یاران امام مهدی(اروحنا الفدا) قرار دهد، وانتقام خون رسول خدا(ص) و علی و فاطمه وحسن وحسین(وعباس وشهدا)و تمام ائمه ازکسانی که به آنها ظلم کردند و آنها را کشتند و از قومی که بر قتل آنها رضایت دادند را بگیریم، وتا قلب زهرا(ع) و ام البنین وزینب ورقیه و خاندان پاکشان را خوشحال کنیم.

**عذراً سيدي الوصي إن أخذنا من وقتك الغالي ، وعذراً أيضاً لسوء الخط ، وعذراً أيضاً إنني شككت فيك أنا وزوجتي ولو لوهلة من الزمن ، وأقسم عليك بجدتك الزهراء أن تسامحنا وتطلب لنا من الله الغفور الرحيم المغفرة والسماح .**

ای سید وصی مرا ببخش که وقت گرا نبهای شما را گرفتیم، وهم چنین مرا ببخش به خاطر بد خطی، و هم چنین مرا ببخش که من و همسرم از این که به مدت کمی از زمان به شما شک کردیم، وبه مادر بزرگ ات زهرا(ع) قسمت می دهیم که ما را ببخش و از خداوند غفور ورحیم، غفران وبخش طلب کنی.

**( العذر عن كرام الناس مقبول ) ، فأنتم سيدي أهل الكرم .**

(بخشش از بزرگان است) پس ای آقای من، تو اهل کرم وبخشش هستی.

**ونسأل العلي القدير أن يبعد عنك والأنصار شر كل سوء ومكروه ، وشر كل من يريدكم بسوء من أمثال … … .**

واز خداوند متعال وقادر می خواهیم که از شما و انصار شر هر مکروه را دور کند و شر هرکسی که نظر سوء و بدی به شما دارد مانند.

**والقائمة تطول بمن هم أهل السوء والمكروه ، ومن أكل أموال الناس بالباطل ، ومن لم يوحدوا الأمة لا في صلاة ولا صيام ولا عيد ولا … ولا …**

و لیست کسانی که اهل سوء و مکروه اند بسیار زیادند، وکسانی که مال مردم را به باطل خوردند و کسانی که وحدت مردم در نماز و روزه وعید و... از بین می برند.

**فقط وحدوها على وجوب طاعة الشيطان ، وانتخاب الشيطان ، وعبادة الشيطان ، والابتعاد عن القرآن والعترة الطاهرة ، الذين أحلوا حراماً وحرموا حلالاً ( لعنهم الله ) ، ومرة أخرى عذراً سيدي على الإطالة .**

فقط در اطاعت واجب از شیطان وانتخاب شیطان، و عبادت شیطان و دوری از قرآن وائمه اطهار وحدت ایجاد کردند، کسانی که حلال کردند حرم را، و حرام کردند حلال را(لعنت خداوند برآنها باد)، و بار دیگرای آقای من مرا ببخش به خاطر طولانی شدن کلامم.

**وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين أن هدانا لهذا الطريق الحق والمبارك بملائكة السماء**

ودر آخر دعا می کنیم که ستایش مخصوص خداست. خدایی که ما را به راه حق ومبارک بوسیله فرشتگان آسمان هدایت کردند.

**والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته**

**أحمد … صادق**

**أستراليا**

**وأرجو أن تتفضل علينا بالدعاء الخاص بالتوفيق والسداد لنصرة من تبتشر به ملائكة السماء ، من جده وصل إلى قاب قوسين أو أدنى ، الإمام المهدي الحجة بن الحسن ( أرواحنا لتراب مقدمه الفداء ) .**

و از شما می خواهیم که برای ما دعای مخصوص بکنید برای موفق شدن در یاری امام مهدی حجت ابن الحسن(اروحنا لتراب مقدمه الفداد) کسی که فرشتگان آسمان از جد ش بشارت او را شنیدند، همانا جد ش کسی که به قاب قوسین یا نزدیک تر رسید.

**رد السيد أحمد الحسن**

**والحمد لله رب العالمين**

**وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين**

**ليرى أحدكم الله في كل شيء ، ومع كل شيء ، وبعد كل شيء ، وقبل كل شيء ، حتى يعرف الله ، وينكشف عنه الغطاء ، فيرى الأشياء كلها بالله ، فلا تعد عندكم الآثار هي الدالة على المؤثر سبحانه ، بل هو الدال على الآثار .**

خدا را باید در همه چیز ببینید، وبا همه چیز، و بعد از همه چیز وقبل از همه چیز، تا این که خدارا بشناسید، وپرده برداشته شده، پس همه چیزرا به وسیله خدا می بینید، پس وقایع وآثار دلیل بر موثر سبحان نمی تواند باشد، بلکه او(الله) دلیل بر آثار است..

**قال الإمام الحسين: ( إلهي ترددي في الآثار يوجب بعد المزار ، فاجمعني عليك بخدمة توصلني إليك ، كيف يستدل عليك بما هو في وجوده مفتقر إليك ، أيكون لغيرك من الظهور ما ليس لك حتى يكون هو المظهر لك ، متى غبت حتى تحتاج إلى دليل يدل عليك ، ومتى بعدت حتى تكون الآثار هي التي توصل إليك ، عميت عين لا تراك عليها رقيباً ، وخسرت صفقة عبد لم تجعل له من حبك نصيباً … ).**

امام حسین(ع)گفت: (خدایا تردیدم در آثار وجودت لازم می شود بعد از دیدارت، پس مرا بسوی خودت بخوان که با خدمت به تو برسم به تو، چگونه بر تو دلیل و برهان می شود در حال که او در جودش به تونیازمند است، آیا می شود که برای تو مایه بیان و روشنی باشد در حالی که او نمی تواند دلیل بر وجود ت، ظاهرها باشد، چه زمانی غایب بودی که برای اثبات وجوداحتیاج به دلیل است، چه زمانی دور بودی که وقایع و اتفاقات بتواند باعث وصول به تو باشد، کور باد چشمی که تو را نبیند و نداند که تو بر آن نگهبان وآن را می بینی، و اعمال بنده در زیان و نابودی است هنگامی که در دلش محبت تو را ندارد.....)([[1]](#footnote-1))

**اغسلوا الطين عن أعينكم وآذانكم حتى تروا الله ، وتسمعوا الله وهو يكلمكم حتى في الحجر …**

گِلی که گوش وچشم شما را بسته، بشوئید تا خدا راببنید، و کلام خداوند را بشنوید او با شما سخن می گوید هنگامی که در آغوشش باشید[به او نزدیکی بجوید] .

**لا تركنوا إلى الجهَّال الذين يسمّون أنفسهم علماء ، فيملئوا آذانكم وأعينكم بالطين ، ويشدوكم إلى هذا العالم المادي الزائل وما فيه من زخرف .**

گوش به حرف نادانان ندهید در حالی که خود راعالم و دانا می شمارند، چرا نادنان گوش و چشم شما را با گل پر می کنند، شما را به این جهان مادی زائل و زیبایی های آن تشویق وترغیب می کنند.

**لا تسمعوا كلامهم ، فهم لا يرون أيديهم … وهذا العالم الزائل مبلغهم من العلم .**

گوش به حرف آنها ندهید، زیرا که آنها به جزء همدستان خود واین عالم مادی فنا پذیر چیزدیگری را نمی بینند.

**لا تركنوا إليهم وهم يكفرون بالرؤيا ، وهي الطريق إلى ملكوت السماوات .**

ازآنهاپیروی نکنیدودرحالی که آنهانسبت به رویای صادقه کفرمی ورزند، در حالی که رویای صادقه   
 راهی است بسوی ملکوت آسمان ها.

**انظروا في ملكوت السماوات ، واسمعوا من ملكوت السماوات ، وآمنوا بملكوت السماوات فهو الحق الذي آمن به الأنبياء والأوصياء ، وكفر به العلماء غير العاملين الذين حاربوا الأنبياء والأوصياء في كل زمان .**

به ملکوت نگاه کنید، به ملکوت آسمان ها گوش کنید، و به ملکوت ایمان بیاورید، این حق و حقیقتی است که پیامبران و اوصیاء به آن ایمان آوردند، و دانشمندان غیر عامل، کسانی که با پیامبران و اوصیاء هر زمان جنگیدند بدان کفر و رزیدند.

**وها هم في آخر الزمان يحسبون ، ويحتسبون أمريكا وديمقراطيتها وانتخاباتها ، ولا يحسبون لله حساباً : ﴿ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴾.**

آنها تمایل عجیبی به، امریکا و دمکراسی(آزادی) آن و انتخابات دارند فکروحساب های زیادی برای این امور مادی باز می کنند، ولی برای خداوند حسابی بازنمی کنند:

*﴿*مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ*﴾([[2]](#footnote-2))*(خدا را آن گونه که باید بشناسند نشناختند؛ خداوند قوّی و شکست‌ناپذیر است! )

**ولا يحتسبون الله وحاكميته وتنصيبه لخليفته سبحانه وتعالى ، فأمسوا صورة للدجال الأكبر أمريكا ، كما أنّ الأنبياء والأوصياء صورة لله سبحانه وتعالى .**

برای خداوند سبحان ومتعال وحاکمیت او و انتخاب خلیفه اش ارزشی قائل نشدند، پس(علمای غیر عامل) پیش قراول ونماینده ای برای امریکای حیله گرهستند، همان طوری که پیامبر و اوصیاءاش نماینده ی خداوند سبحان ومتعال اند.

**اقرؤوا القرآن ، وتدبروا القرآن وقصص الأنبياء والأوصياء خلفاء الله في أرضه ، والأمم الغابرة التي كذبتهم ، وقادة تلك الأمم من العلماء غير العاملين ، ثم ارجعوا إلى أنفسكم وانظروا هل تعدّى صاحب الحق سيرة ومسيرة وسنّة الأنبياء والأوصياء ؟ وهل أخطأ أعداؤه من العلماء غير العاملين سيرة ومسيرة وسنّة أعداء الأنبياء والأوصياء ؟**

قرآن را بخوانید و در آن تدبر و تفکر کنید وداستان پیامبران واوصیاء که جانشینان خداوند در زمین هستند، وامت های گذشته که آنها را تکذیب کردند، رهبران آن امت های گذشته همان علمای غیرعامل بودند . پس به خودتان بنگرید و از خود بپرسید، آیا صاحب حق در سلوک راه ومسیرش ازسنت پیامبران و اوصیاء دورشده است؟ وآیا [می توان گفت] دشمنان حق در پیروی از علمای غیر عامل اشتباه نموده اند؟

**والله ما قلت إلا ما قال آبائي الصالحـون ، الذين أوصوا الناس بنصرتي ، وذكروني في وصاياهم ، نوح وإبراهيم وإسمـاعيل ومحمـد وعلي والحسن والحسين والأئمـة : ﴿ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴾**

به خدا آنچه را گفتم غیر از گفته ی پدران نیکو کارم نیست، کسانی که مردم رابه یاری من وصیت کردند، و در وصایاشان مرا به یاد آوردند، نوح و ابراهیم و اسماعیل ومحمد(ص) وعلی وحسن و حسین وائمه(ع): *﴿* وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ *﴾([[3]](#footnote-3))(*او کلمه توحید را کلمه پاینده‌ای در نسلهای بعد از خود قرار داد، شاید به سوی خدا باز گردند! *)*

**وما قال العلماء غير العاملين إلا ما قال نمرود وفرعون وأبو سفيان والوليد ( لعنهم الله ) .**

آنچه علمای غیر عامل گفتند، نمرود وفرعون و ابو سفیان و ولید(لعنهم الله) نیز گفته بودند.گفتند:

**قَالَوا : ﴿ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ﴾.*([[4]](#footnote-4))*** [فرعون] گفت واقعا اين پيامبرى كه به سوى شما فرستاده شده سخت ديوانه است

**وقَالوا : ﴿ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ \* إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴾.** وگفتند .... وان قول بشری بیش نیست

**وقالوا : ﴿ أَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ ﴾.*([[5]](#footnote-5))***  آيا از ميان ما [وحى] بر او القا شده است [نه] بلكه او دروغگويى گستاخ است

**و ﴿ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ ﴾.*([[6]](#footnote-6))***  (بلكه گفتند خوابهاى شوريده است [نه] بلكه آن را بربافته بلكه او شاعرى است پس همان گونه كه براى پيشينيان هم عرضه شد بايد براى ما نشانه‏اى بياورد)

**وقالوا … وقالوا … … …** وگفتند:....وگفتند...

**﴿ وَقَالَ الَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ لَوْلا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآياتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴾***([[7]](#footnote-7))* (افراد نادان گفتند چرا خدا با ما سخن نمى‏گويد يا براى ما معجزه‏اى نمى‏آيد كسانى كه پيش از اينان بودند [نيز] مثل همين گفته ايشان را مى‏گفتند دلها [و افكار]شان به هم مى‏ماند ما نشانه‏ها[ى خود] را براى گروهى كه يقين دارند نيك روشن گردانيده ‏ايم)

**جئت لأشهد للحق ، وأقول الحق ، ولدت لهذا ، وسأموت على هذا إن شاء الله .**

آمدم که به حق شهادت دهم، حق را بگویم، به دنیا آمدم برای این، وکشته خواهم شد برای این اگر خدا بخواهد.

**أما أنتم ، فإن أردتم أن تشهدوا للحق فاشهدوا ، ولكن إن وجدتم مرارته وثقله فاحمدوا الله على ما أنعم عليكم ، فإنّ الحق ثقيل مرّ ، والباطل خفيف حلو .**

اما شما اگر خواستید برای حق شهادت بدهید پس شهادت بدهید، ولی اگر در این راه تلخی وسختی دچار شدید پس ستایش مخصوص خداوندبر نعمتی که بر ما بخشید، چراکه حق سخت وتلخ، و باطل آسان وشیرین .

**واعلموا أنّ دعوتكم هي دعوة كل الأنبياء والأوصياء ، فاعملوا وكونوا شهداء على الناس ، كما أنّ الرسول شهيد عليكم ، وسيرى الله عملكم ورسوله والأنبياء والأوصياء والمؤمنون . واصبروا وصابروا ورابطوا ، واحتجوا على أهل كل كتاب بكتابهم ، واحتجوا على أهل الإنجيل بإنجيلهم ، فقضيتكم مذكورة في إنجيلهم ليس إجمالاً ، بل بالتفصيل .**

و بدانید که دعوت شما همان دعوت تمام پیامبران و اوصیاء(ع)است، پس عمل کنید و بر عمل مردم شاهد باشید، همانطوری که پیامبر بر عمل شما شاهد است، وعمل شما خداوند و پیامبرش و پیامبران و اوصیاء(ع) و مومنان خواهند دید، وصبر کنید وبه صبر دعوت کنید و به هم پیوند دهید و بر اهل هر کتابی با کتاب آنها احتجاج کنید(حجت بیاورید) و بر اهل انجیل با انجیل آنها دلیل وحجت بیاورید، پس قضیه ی شما در انجیل آنها ذکر داد شده بودآن هم نه مختصر بلکه با تفصیل شرح داده شده است.

**\* \* \***

**في إنجيل يوحنا الإصحاح السادس عشر** در انجیل یوحنا اصحاح شانز دهم

**قال عيسى: ( وأما الآن فأنا ماضي للذي أرسلني ، وليس أحد منكم يسألنـي أين تمضي ، ولكن لأني قلت لكم هذا قد ملأ الحزن قلوبكم .**

عیسی(ع)گفت: واما من الان می روم بسوی کسی که مرا فرستاده است، و کسی از شما از من نپرسید به کجامی روی، ولی این رابه شما گفتم که غم واندوه قلب شما را پرکرده است.

**لكن أقول لكم الحق إنه خير لكم أن انطلق ؛ لأنه إن لم أنطلق لا يأتيكم المعزي ، ولكن إن ذهبت أُرسله إليكم ، ومتى جاء ذاك يبكت العالم على خطيئة ، وعلى بر ، وعلى دينونة .**

ولی حقیقت این است که اگرمن بروم برای شماها بهتراست، زیرا که اگر نروم نجات دهنده(المعزی) بعد از من نخواهد آمد، اما اگر بروم برای تان می فرستم، وهنگامی که آمد جهان تقسیم می شود برگناه، وبرنیکویی وبردین.

**أما على خطيئة : فـ ( لأنهم لا يؤمنون بي ) ، وأما على بر : فـ ( لأني ذاهب إلى أبي ولا ترونني أيضاً ) ، وأما على دينونة : فـ ( لأن رئيس هذا العالم ) قد دين .**

اما بر گناه:(زیرا به من ایمان ندارند) واما بر نیکویی:(زیرا من بسوی پدرم می روم ونیزمرا نمی بینند )، و اما بر دین:(زیرا رهبراین جهان نزدیک شده است).

**إن لي أموراً كثيرة أيضاً لأقول لكم ، ولكن لا تستطيعـون أن تحتملوا الآن ، وأما متى جاء ذاك ( روح الحق ) فهو يرشدكم إلى جميع الحق ؛ لأنه لا يتكلم من نفسه ، بل كل ما يسمع يتكلم به ) .**

امور زیادی دارم که برای شما ها بگوییم، ولی حالا تحمل شنیدن آنها را ندارید، ولی وقتی که اومی آید(روح خدا) پس شما را ارشاد و هدایت می کند برای تمام حقیقت ها، زیرا او از خودش این کلام ها رانمی گوید، بلکه آنچه راکه می شنودازآن سخن می گوید.

**فهذا عيسى يبشر بي في الإنجيل الذي يعترفون به ويقرونه .**

پس این عیسی(ع) به من بشارت می دهد در انجیلی که به آن اعتراف می کنند وآن را می خوانند.

**\* \* \***

**وفي إنجيل متي الإصحاح الرابع والعشرون** و در انجیل متی اصحاح چهار دهم

**قال عيسى: ( لذلك كونوا أنتم أيضاً مستعدين ؛ لأنه في ساعة لا تظنون يأتي ابن الإنسان ، فمن هو العبد الأمين الحكيم الذي أقامه سيده على خدمه ليعطيهم الطعام في حينه ، طوبي لذلك العبد الذي إذا جاء سيده يجده يفعل هكذا . الحق أقول لكم إنه يقيمه على جميع أمواله ) .**

عیسی(ع)گفت: (برای آن نیز شما آماده و مستعد باشید، زیرا در یک زمانی که گمان نمی کنید فرزند آدم خواهد آمد، پس چه کسی بنده ی امین وحکیم، که آقا او را به خدمت انتخاب کرده تا غذا(روح) را در وقت اش به آنها دهد، خوش به حال آن بنده ای هنگامی که آقایش آمد از اوچنین کاری ببیند.حقیقت رابه شما می گویم که او را بر تمام اموال اش قیم ومسئول کرده است).

**ولا أعتقد أن هذه النصوص تحتاج إلى عناء لفهمها ومعرفة رسول الإمـام المهدي وعيسى ، ويوجد غيرها .**

ومعتقدم که فهمیدن این متن ها بسیار بدیهی و آسان است واحتیاج به تفهیم ندارد وهمچنین شناختن رسول امام مهدی(ع) وعیسی(ع). متون دیگری غیر از این یافت می شوند.

**أرشدوهم إلى قراءة رؤيا يوحنا اللاهوتي ، فهي تـُفصِّل هذه الدعوة وتبينها لهم إن كانوا يطلبون الحق ويطلبون نصرة عيسى.**

**وهذه بعض النصوص من رؤيا يوحنا اللاهوتي تبين الحق وصاحب الحق .**

برای رسیدن به اطلاعات بیشتر به خواندن رویای یوحنا لاهوتی([[8]](#footnote-8)) توصیه می کنیم، پس آن(رویا) این دعوت را توضیح می دهد واگر طالب حق باشند آن(دعوت) را برای آنها آشکارمی کند وطالب پیروزی عیسی(ع) باشند. واین هم بعضی از متون، از رویای یوحنا لاهوتی صاحب حق وحق را آشکار و روشن می کند.

**\* \* \***

**في الإصحاح الرابع** در اصحاح چهارم

**( 1 بعد هذا نظرت وإذا باب مفتوح في السماء والصوت الأول الذي سمعته كبوق يتكلم معي قائلاً : اصعد إلى هنا فأريك ما لا بد أن يصير بعد هذا . 2 وللوقت صرت في الروح وإذا عرش موضوع في السماء وعلى العرش جالس . 3 وكان الجالس في المنظر شبه حجر اليشب والعقيق وقوس قزح حول العرش في المنظر شبه الزمرد . 4 وحول العرش أربعة وعشرون عرشاً . ورأيت على العروش أربعة وعشرين شيخاً جالسين متسربلين بثياب بيض وعلى رؤوسهم أكاليل من ذهب . 5 ومن العرش يخرج بروق ورعود وأصوات … ) .**

(1- بعد از این نگاه کردم ودر این هنگامی دری در آسمان باز شد و صدای اول که شنیدم همانندیک بوق بامن این چنین سخن می گفت: اینجا بیا بالاکه من که چیزهایی نشانت بدهم که بعد از این ناچار روی خواهد . 2- وبرای زمانی در روح شدم وعرش درآسمان قرار داده شده و روی عرش نشسته بود.3- ودر محل دید نشسته بود، وشبیه سنگ یاقوت وعقیق و رنگین کمان اطراف عرش دردید شبیه زمرد بود4- ودر اطراف عرش بیست وچهار عرش قرار دارد.ودیدم روی عرش ها بیست وچهار پاد شاه نشسته بودند و لباس های سفید پوشیده بودند و روی سرشان تاج هایی از طلاست.5- واز عرش رعد وبرق وصدا هایی خارج می شد....)

**\* \* \***

**وفي الإصحاح الخامس** ودر اصحاح پنجم

**( 1 ورأيت على يمين الجالس على العرش سفراً مكتوباً من داخل ومن وراء مختوماً بسبعة ختوم . 2 ورأيت ملاكاً قوياً ينادي بصوت عظيم من هو مستحق أن يفتح السفر ويفك ختومه . 3 فلم يستطع أحد في السماء ولا على الأرض ولا تحت الأرض أن يفتح السفر ولا أن ينظر إليه . 4 فصرت أنا أبكي كثيراً لأنه لم يوجد أحد مستحقاً أن يفتح السفر ويقرأه ولا أن ينظر إليه . 5 فقال لي واحد من الشيوخ لا تبك . هو ذا قد غلب الأسد الذي من سبط يهوذا أصل داود ليفتح السفر ويفك ختومه السبعة . 6 ورأيت فإذا في وسط العرش والحيوانات الأربعة وفي وسط الشيوخ خروف قائم كأنه مذبوح له سبعة قرون وسبع أعين هي سبعة أرواح الله المرسلة إلى كل الأرض . 7 فأتى وأخذ السفر من يمين الجالس على العرش . 8 ولما أخذ السفر خرت الأربعة الحيوانات والأربعة والعشرون شيخاً أمام الخروف ولهم كل واحد قيثارات وجامات من ذهب مملوة بخوراً هي صلوات القديسين . 9 وهم يترنمون ترنيمة جديدة قائلين مستحق أنت أن تأخذ السفر وتفتح ختومه لأنك ذبحت واشتريتنا لله بدمك من كل قبيلة ولسان وشعب وأمة. 10 وجعلتنا لإلهنا ملوكاً وكهنة فسنملك على الأرض . 11 ونظرت وسمعت صوت ملائكة كثيرين حول العرش والحيوانات والشيوخ وكان عددهم ربوات ربوات وألوف ألوف . 12 قائلين بصوت عظيم مستحق هو الخروف المذبوح أن يأخذ القدرة والغنى والحكمة والقوة والكرامة والمجد والبركة . 13 وكل خليقة مما في السماء وعلى الأرض وتحت الأرض وما على البحر كل ما فيها سمعتها قائلة . للجالس على العرش وللخروف البركة والكرامة والمجد والسلطان إلى أبد الآبدين . 14 وكانت الحيوانات الأربعة تقول آمين . والشيوخ الأربعة والعشرون خروا وسجدوا للحي إلى أبد الآبدين ) .**

7- سپس آمد و کتاب را از دست کسی که روی عرش نشسته بود گرفت.8- وهنگامی که کتاب را گرفت، چهار حیوان وبیست وچهار پاد شاه جلوی گوسفندنر سجده کردند و برای گیتارها و جام هایی از طلا که از عطر پوشیده اند که همان صلوات قدیسین است 9- آنها باهم و ردوترنم جدیدی می خواندند، تو استحقاق این را داری که کتاب را ببری و مهرهای آن را بازکنی، زیراکه تو قربانی شده ای وفقط برای خدا ما را از هر قبیله و زبان وفرقه وامت باخون خود خریدی.10- وما را برای خدا پادشاه وکاهن قرار دادی، پس روی زمین پادشاهی می کنیم.11- ونگاه کردم وصدای فرشتگان زیادی در اطراف عرش وحیوانات و پادشاهان شنیدم و تعداد آنها انبوه انبوه وهزارتا هزارتا بود.12- با صدای عظیمی می گفتند که استحقاق این را دارد که گوسفند نر قربانی شده، قدرت وثروت وحکمت وقوت وکرامت ومبارکی را ببرد.13- و شنیدیم که همه مخلوقات چه در آسمان وروی زمین و زیرآن وروی دریا و هرچه در آن، به کسی که روی عرش نشسته وگوسفند نرمی گفتند، مبارکی و کرامت ومجد وسلطنت تا ابدوبی نهایت برای ات باشد.14- وآن چهار حیوان آمین می گفتند. وآن بیست وچهار پادشاه روی زمین افتادند و سجده کردند، برای کسی که همیشه زنده وتا ابد وبی نهایت است.

**\* \* \***

**وفي الإصحاح الرابع عشر** ودر اصحاح چهاردهم

**( ثم نظرت وإذا خروف واقف على جبل صهيون ومعه مائة وأربعة وأربعون ألفاً لهم اسم أبيه مكتوبا على جباههم … ) .**

(سپس نگاه کردم ودر این هنگام گوسفند نر را روی کوه صیهون ایستاده [دیدم]که همراه او یکصد وچهل و چهار هزار که بر روی پیشانی آنها اسم پدرش نوشته شده است.)

**فمن هو الذي يجمع أنصار أبيه غير أول المؤمنين من ذرية الإمام المهدي ؟ !!!**

**ومن هم الشيوخ الأربعة والعشرون غير الأئمة الاثني عشر والمهديين الاثني عشر ؟!!!**

**ومن هو الأسد الذي من سبط يهوذا أصل داود والذي يفتح السفر ، ويفك ختومه غير الأسد الذي كر مع علي في خيبر واحد وحنين وبدر … ؟!!!**

پس چه کسی غیر از اولین مومن از نسل امام مهدی(ع) انصار پدرش را گردهم می آورد؟

وچه کسانی آن بیست وچهار پاد شاه، غیر از آن دوازده ائمه ودوازده مهدی؟

وچه کسی آن شیری که از فرزندان یهوذا واز اصل داوود وکسی که کتاب را باز می کند و مهرهای آن را می گشاید؟

غیر از شیری که با علی(ع) حمله کرد درخیبر وحنین واحد وبدر.........

**وهو من سبط يهوذا ؛ لأنّ أمه من بني إسرائيل ( نرجس ) أم الإمام المهدي.**

**ومن هو الخروف الذي وصف بأنه ( خروف قائم كأنه مذبوح ) وهو يحمل سبعة قرون وسبعة أعين ، هم المعصومون الأربعة عشر محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين والأئمة . غير المهدي الأول واليماني رسول الإمام المهدي ورسول عيسى ؟!!!**

و اوست از فرزندان یهوذا، زیرا مادرش از بنی اسرائیل(نرجس) مادر امام مهدی(ع). و چه کسی گوسفندنرشد به اینکه(گوسفندنرقائم گویا ذبح شده)و او دارای هفت شاخ وهفت چشم است.آنهاهمان چهارده معصوم محمد و علی وفاطمه وحسن وحسین وائمه(ع).غیراز مهدی اول ویمانی رسول امام مهدی ورسول عیسی(ع).

**\* \* \***

**وفي رؤيا يوحنا الإصحاح السابع عشر** ودر رویای یوحنا اصحاح هفدهم

**( … 12 والعشرة القرون التي رأيت هي عشرة ملوك ، لم يأخذوا ملكاً بعد لكنهم يأخذون سلطانهم ، كملوك ساعة واحدة مع الوحش . 13 هؤلاء لهم رأي واحد ، ويعطون الوحش قدرتهم وسلطانهم . 14 هؤلاء سيحاربون الخروف، والخروف يغلبهم ، لأنّه رب الأرباب ، وملك الملوك ، والذين معه مدعوون ومختارون ومؤمنون … ) .**

(...12-وآن ده شاخی را که دیدم، آن ده پادشاه هستند، که ملکی نمی برند ولی به سلطنت می رسند، مثل پاد شاهان که برای یک ساعت همراه وحش بودند.13-اینها دارای یک عقیده واحد هستند، و به وحش قدرت و سلطنت شان می دهند.14-اینها با گوسفندنر می جنگند، و گوسفندنر برآنها پیروز می شود، زیرا او خدای، خدایان است وپادشاه پادشاهان، وکسانی که همراه او یند کسانی که دعوت شدند و انتخاب شدند ومومن اند).

**\* \* \***

**وفي الإصحاح الثامن عشر** ودر اصحاح هجدهم

**( 1 ثم بعد هذا رأيت ملاكاً آخر نازلاً من السماء له سلطان عظيم واستنارت الأرض من بهائه . 2 وصرخ بشدة بصوت عظيم قائلاً سقطت سقطت بابل العظيمة وصارت مسكناً لشياطين ومحرساً لكل روح نجس ومحرساً لكل طائر نجس وممقوت ( أي الطائرات الحربية الأمريكية ) . 3 لأنه من خمر غضب زناها قد شرب جميع الأمم وملوك الأرض زنوا معها وتجار الأرض استغنوا من وفرة نعيمها . 4 ثم سمعت صوتاً آخر من السماء قائلاً اخرجوا منها يا شعبي لئلا تشتركوا في خطاياها ولئلا تأخذوا من ضرباتها . 5 لأنّ خطاياها لحقت السماء وتذكر الله آثامها . 6 جازوها كما هي أيضاً جازتكم وضاعفوا لها ضعفاً نظير أعمالها . في الكأس التي مزجت فيها امزجوا لها ضعفاً . 7 بقدر ما مجدت نفسها وتنعمت بقدر ذلك أعطوها عذاباً وحزناً . لأنّها تقول في قلبها أنا جالسة ملكة ، ولست أرملة ولن أرى حزناً . 8 من أجل ذلك في يوم واحد ستأتي ضرباتها موت وحزن وجوع وتحترق بالنار لأنّ الرب الإله الذي يدينها قوي . 9 وسيبكي وينوح عليها ملوك الأرض الذين زنوا وتنعموا معها حينما ينظرون دخان حريقها . 10 واقفين من بعيد لأجل خوف عذابها قائلين ويل ويل . المدينة العظيمة بابل المدينة القوية . لأنّه في ساعة واحدة جاءت دينونتك . 11 ويبكي تجار الأرض وينوحون عليها لأن بضائعهم لا يشتريها أحد في ما بعد . 12 بضائع من الذهب والفضة والحجر الكريم واللؤلؤ والبز والأرجوان والحرير والقرمز وكل عود ثيني ، وكل إناء من العاج ، وكل إناء من أثمن الخشب والنحاس والحديد والمرمر . 13 وقرفة وبخوراً وطيباً ولباناً وخمراً وزيتاً وسميذاً وحنطة وبهائم وغنماً وخيلاً ومركبات وأجساداً ونفوس الناس . 14 وذهب عنك جنى شهوة نفسك ، وذهب عنك كل ما هو مشحم وبهي ، ولن تجديه في ما بعد. 15 تجار هذه الأشياء الذين استغنوا منها سيقفون من بعيد من أجل خوف عذابها يبكون وينوحون 16 ويقولون ويل ويل . المدينة العظيمة المتسربلة ببز وأرجوان وقرمز والمتحلية بذهب وحجر كريم ولؤلؤ . 17 لأنّه في ساعة واحدة خرب غنى مثل هذا . وكل ربان وكل الجماعة في السفن والملاحون وجميع عمال البحر وقفوا من بعيد . 18 وصرخوا إذ نظروا دخان حريقها قائلين أية مدينة مثل المدينة العظيمة . 19 وألقوا تراباً على رؤوسهم وصرخوا باكين ونائحين قائلين ويل ويل . المدينة العظيمة التي فيها استغنى جميع الذين لهم سفن في البحر من نفائسها لأنها في ساعة واحدة خربت . 20 إفرحي لها أيتها السماء والرسل القديسون والأنبياء لأن الرب قد دانها دينونتكم 21 ورفع ملاك واحد قوي حجراً كرحى عظيمة ورماه في البحر قائلاً هكذا بدفع سترمى بابل المدينة العظيمة ، ولن توجد في ما بعد . 22 وصوت الضاربين بالقيثارة والمغنين والمزمرين والنافخين بالبوق لن يسمع فيك في ما بعد . وكل صانع صناعة لن يوجد فيك في ما بعد . وصوت رحى لن يسمع فيك في ما بعد . 23 ونور سراج لن يضئ فيك في ما بعد . وصوت عريس وعروس لن يسمع فيك في ما بعد . لأن تجارك كانوا عظماء الأرض . إذ بسحرك ضلت جميع الأمم . 24 وفيها وجد دم أنبياء وقديسين وجميع من قتل على الأرض ) .**

(1- سپس بعد از این پادشاه دیگری دیدم که از آسمان نازل شد که قدرت عظیمی داشت و از نورانیت اش زمین نورانی شد .2- با صدای بسیار شدیدی و فریاد زد و گفت: بابل پر عظمت سقوط کرد، سقوط کرد، و مسکن برای شیاطین شد و از هر روح نجسی پاسداری می کند و از هر پرنده نجسی وممقوت(یعنی هوا پیمان های جنگی آمریکایی ) پاسداری می کند.3- زیرا که آن از شراب غضب است که زنا کرده و تمام امت ها ازآن نوشیدند وپادشاهان زمین با آن زنا کردند و تاجران زمین از وفور نعمت اش مستغی شدند.4- سپس صدای دیگر از آسمان شنیدم می گفت: ای امت من از آن خارج شوید تا در گناه های آن شریک نشوند و تا از طرف آن به شما ضربه ای نرسد .5- چرا که گناهان آن به آسمان رسید و خداوند به گناهانش تذکر داد.6- به آن بچشایند همانطوری که آن به شما چشانیده است و اعمال خود را متضاعف کنید همانطوری که آن متضاعف کرده است. در جام شرابی که می نوشد شراب آن را چند برابر کنید.7- به اندازه ای که نفس خود را تمجید کرد و نعمت داد به همان اندازه عذاب و حزن به آن بدهید. چرا که آن در قلب اش می گوید، من نشسته ام و یک پادشاه هستم، بیوه نسیتم وغم و اندوه ای نمی بینم. 8- و به خاطر همین در یک روز ضربه های آن مرگ و خون و گرسنگی به دنبال دارد و در آتش می سوزند، زیرا که خدایی که با آن مقابل می کند، بسیار قدرتمند است.9- وگریه وزاری خواهند کرد برآن[بابل] پادشاهان زمین، کسانی که زنا کردند و بوسیله آن به نعمت رسیدند، هنگامی که آتش و دود و سوختن آن را می بینند.10- ایستاده بودند، به خاطر ترس از عذب های آن می گفتند: وای وای، شهر عظیم بابل، شهر قدرتمند، چرا د ر یک ساعت نابودی ات آمد.11- وتاجران زمین گریه می کردند و آه وناله برآن[بابل] می کردند زیرا از این به بعد کسی وسایل شان را نمی خرد.12- وسایل شان از طلا ونقره وسنگ های قیمتی و مراورید و پارچه ولباس بنفشی پارچه های حریر وسرخ وعود های معطرو ظروف هایی از جنس عاج وظروفی از چوب های گران قیمت وبرنز و آهن وسنگ مرمر. 13- دارچین عود بخور وعطر و لبینات و شراب و روغن وکره وگندم وچهار پایان و گوسفندان وآب ها و مرکبات و اجساد و روح انسان ها.14-و آن شهوت نفسی که داری از دستت رفت و هر آنچه را که چربی داشتی و در آن بود ازدست دادی، وآن را بعد از این نمی توانی بیابی.15- تاجران این اشیاء کسانی هستند که از آن غنی شدند و دور ایستادند از ترس عذاب های آن[بابل] وگریه وناله می کنند.16- می گویند وای بر، وای بر، شهر عظیمی که پوشید شده بوسیله لباس و پارچه های نیلی و قرمز و زینت داده شده به طلا و سنگ های قیمتی و مروارید.17- چرا که در یک ساعت تمام ثروت مثل این از بین رفت، وهر نا خدا وتمام جمعی که در کشتی و دریا نوردان وتمام ملو انان دریا از دو رایستاده بودند. 18- وفریاد زدند هنگامی که دود سوختن آن را مشاهده کردند ومی گفتند کدام شهر می تواند مثل این شهر عظیم باشد.19- و کسانی که در آن شهر عظیم ثروتمند شدند و صاحب کشتی در دریا از آن هستند، خاک برسرخود می ریختند و با صدای بلند گریه می کردند و با آه و ناله می گفتند: وای، وای، چرا که در یک ساعت تمام آنها ازبین رفت.20- ای آسمان ها و رسولان مقدس و پیامبران بر آن شاد باشید، زیرا که خداوند آن چیزی که برای آن تلاش کرده اید نزدیک کرده است.21- ویکی از ملائک قدرتمند یک سنگی که مانند سنگ آسیاب است، بلند کرد. ودریا انداخت و گفت این چنین است که با دفع(آب) شهر عظیم بابل مورد هدف قرار می گیرد و بعد از این پیدا نمی شود.22- وصدای کسانی که بر گیتار ضربه می زنند و آو از خوانان و نوازندگان فلوت ونی وآنهایی که دربوق می دمند، بعد از این شنیده نمی شود وصدای سنگ آسیاب بعد از این در شهر شنیده نمی شود.23- ونور درخشان از این به بعد در(بابل) رو شنایی نمی دهد. وصدای داماد و عروس از این به بعد در تو شنیده نمی شود. چرا که تاجران تو از بزرگان زمین بودند . چرا که بوسیله سحرت تمام امت ها گمراه شدند.24- و درآن خون پیامبران وقدیسان پیداشد وتمام کسانی که روی زمین اند را به قتل رسیدند).

**وبابل تشير إلى العراق ؛ لأنّ بابل كانت عاصمة العراق في ذلك الزمن ، فكل الملاحم والفتن تجري في العراق وعلى أرض العراق .**

**وخراب بغداد ذكروه بالرايات التي تأتيها من دول العالم وبالفتن .**

و بابل اشاره ای است به عراق، زیرا پایتخت عراق در آن زمان بود. پس همه ی جنگ ها وفتنه ها در عراق وروی سرزمین عراق اتفاق می افتند. و ویرانی بغداد را یادکردند(ع) بوسیله ی پرچم هایی که از حکومت های جهان می آید و همراه بافتنه انگیزی .

**قال الصادق عن بغداد : ( … في لعنة الله وسخطه تخربها الفتن ، وتتركها جماء ، فالويل لها ولمن بها ، كل الويل من الرايات الصفر ورايات المغرب ومن يجلب الجزيرة ، ومن الرايات التي تسير إليها من كل قريب أو بعيد .**

**والله لينزلنّ بها من صنوف العذاب ما نزل بسائر الأمم المتمردة من أول الدهر إلى آخره ، ولينزلنّ بها من العذاب ما لا عين رأت ولا أذن سمعت بمثله ، ولا يكون طوفان أهلها إلا بالسيـف ، فالويل لمن اتخذ بها مسكناً فان المقيم بها يبقى لشقائه ، والخارج منها برحمة الله .**

**والله ليبقى من أهلها في الدنيا حتى يقال : إنها هي الدنيا ، وإنّ دورها وقصورها هي الجنة ، وإنّ بناتها هنّ الحور العين ، وإنّ ولدانها هم الولدان ، وليظنن أنّ الله لم يقسم رزق العباد إلا بها ، وليظهرنّ فيها من الإفتراء على الله وعلى رسوله ، والحكم بغير كتابه ، ومن شهـادات الزور ، وشرب الخمور و [ إتيان ] الفجور ، وأكل السحت ، وسفك الدماء ، ما لا يكون في الدنيا كلها إلا دونه ، ثم ليخربها الله بتلك الفتن وتلك الرايات ، حتى ليمر عليها المار فيقول : ههنا كانت الزوراء )**

امام صادق(ع) درباره ی بغداد گفت: (.... [بغداد]مورد لعنت خداو خشم اوست، فتنه ها آن را خراب می کنند و بسیاری آن راترک می کنند، پس وای برآن وبرکسانی که درآن، همه ی ویل ها از پرچم های زرد، پرچم های مغرب، وپرچم هایی که از الجزیره واز پرچم هایی که از دور و نزدیک به سمت آن می آیند. به خدا قسم از انواع عذاب ها درآن نازل می شود، همچون سایرامت های متمرد از اول روزگار تا آخرآن نازل می شود، عذابی بر آن نازل می شود که نه چشمی تا به حال آن دیده و نه گوشی مانند آن شنیده باشد و طوفانی اهلش را بر می گیرد که جزء شمشیر نیست، پس وای بر کسی که در آن مسکن بگیرد، پس کسی که در آن اقامت کند، دچار بیچارگی وبدبختی می شود، و کسی که از آن خارج شود، رحمت خداوند شامل او می شود.

وبه خدا قسم از اهلش در دنیا باقی می گذارد، حتی می گوید: آن[بغداد]همان دنیاست، و قصرهایش همان بهشت است، و دخترانش همان حور العین اند، و اطفالش همان اطفال اند، وگمان می کنند که خداوند روزی و رزق بندگان را تقسم نمی کنند مگر بوسیله آن. ودر آن افتراء بر خداوند ورسول اش(صلی علیه وآله) آشکارمی شود، وبه غیر از کتاب او حکم می کنند، وشهادت های زوری، نوشیدن مشروب، ظلم وستم، خوردن مال حرام و خونریزی که در هیچ کجای دنیا مثل آن پیدا نمی شود. سپس خداوند بوسیله همان فتنه ها و آن پرچم ها [بغداد را ]ویران می کند، تا اینکه عابر برآن عبور می کند، پس می گوید: این جاست قبلاً بغداد بوده است)(1)

**\* \* \***

**وفي الإصحاح التاسع عشر** ودر اصحاح نوزدهم

**( … 7 لنفرح ونتهلل ونعطه المجد لأنّ عرس الخروف قد جاء وامرأته هيأت نفسها . 8 وأعطيت أن تلبس بزاً نقياً بهياً لأنّ البز هو تبررات القديسين . 9 وقال لي اكتب طوبى للمدعوين إلى عشاء عرس الخروف . وقال هذه هي أقوال الله الصادقة … 11 ثم رأيت السماء مفتوحة وإذا فرس أبيض والجالس عليه يدعى أميناً وصادقاً وبالعدل يحكم ويحارب . 12 وعيناه كلهيب نار وعلى رأسه تيجان كثيرة وله اسم مكتوب ليس أحد يعرفه إلا هو . 13 وهو متسربل بثوب مغموس بدم ويدعى اسمه كلمة الله . 14 والأجناد الذين في السماء كانوا يتبعونه على خيل بيض لابسين بزاً أبيض ونقياً . 15 ومن فمه يخرج سيف ماض … ) .**

(....7- شاد باشیم وتهلیل کنیم ومجد و بزرگی را به او بدهیم، زیرا گوسفند نر عروسی کرد وبه تحقیق خواهد آمد و همسرش خود را برای او مهیا کرده است. 8- وبه او لباس پاک ودر خشانی داده شدکه بپوشد، زیرا این لباس طلایی قدیسین است.9- وبه من گفت بنویس، خوشا به حال کسانی که برای صرف شام به عروسی گوسفند نر دعوت شدند. وگفت این همان گفته ی صادق خداوند است.11- سپس دیدم آسمان بازشد و در این هنگام اسب سفید ویکی برآن سوار بود که ادعا می کند، او امین وصادق است وباعدل حکومت می کند ومی جنگند.12- وچشمانش مانند لهیب آتش وروی سرش تاج های زیادی و برای او اسمی نوشته شده که کسی غیر از اوآن را نمی شناسد.13- و او لباسی پوشیده بود که به خون آغشته شده وادعا می کندکه اسم او کلمه ی خداست.14- و سربازانی که در آسمان به دنبال او بودند، بر روی اسبان سفید که لباس های سفید وپاکی پوشیده بودند.15- واز دهانش شمشیر برنده ای خارج می شد......))

**( … 7 لنفرح ونتهلل ونعطه المجد لأنّ عرس الخروف قد جاء وامرأته هيأت نفسها . 8 وأعطيت أن تلبس بزاً نقياً بهياً لأنّ البز هو تبررات القديسين 9 وقال لي اكتب طوبى للمدعوين إلى عشاء عرس الخروف . وقال هذه هي أقوال الله الصادقة …… ) .**

(...7- شاد باشیم وتهلیل کنیم ومجد وبزرگی را به او بدهیم، زیرا گوسفند نر عروسی کرد وبه تحقیق خواهدآمد و همسرش خود را برای او مهیا کرده است. 8- وبه او لباس پاک ودر خشانی داده شد که بپوشد، زیرا این لباس طلایی قدیسین است.9- وبه من گفت بنویس، خوشا به حال کسانی که برای صرف شام به عروسی گوسفند نر دعوت شدند. وگفت این همان گفته ی صادق خداونداست...)

**والمدعوون إلى عشاء عرس الخروف هم : ( أنصار المهدي الأول اليماني ) .**

دعوت شدگان برای صرف شام عروسی گوسفند نرآنها **( انصار مهدی اول، یمانی )** هستند

**( ثم رأيت السماء مفتوحة وإذا فرس أبيض والجالس عليه يدعى أميناً وصادقاً وبالعدل يحكم ويحارب . 12 وعيناه كلهيب نار وعلى رأسه تيجان كثيرة وله اسم مكتوب ليس أحد يعرفه إلا هو . 13 وهو متسربل بثوب مغموس بدم ويدعى اسمه كلمة الله …… ) .**

(...سپس دیدم آسمان باز شد و در این هنگام اسب سفید و یکی برآن سوار بود که ادعا می کند، او امین وصادق است وبا عدل حکومت می کند ومی جنگند.12- وچشمانش مانند لهیب آتش وروی سرش تاج های زیادی و برای او اسمی نوشته شده که کسی غیر از اوآن را نمی شناسد.13- و او لباسی پوشیده بود که به خون آغشته شده وادعا می کندکه اسم او کلمه ی خداست...)

**وهذا الذي يركب الفرس في هذه الرؤيا هو المهدي الأول اليماني .**

این کسی که سوار اسب در این رویاست، همان مهدی اول یمانی است.

**\* \* \***

**وفي الإصحاح الحادي والعشرون** در اصحاح بیست ویکم

**( … وقال لي اكتب فإن هذه الأقوال صادقة وأمنية . 6 ثم قال لي قد تم . أنا هو الألف والياء البداية والنهاية . أنا أعطي العطشان من ينبوع ماء الحيوة مجاناً . 7 من يغلب يرث كل شئ وأكون له إلهاً وهو يكون لي ابناً … ) .**

(...وبه من گفت بنویس، زیرا که این گفته ها دارای صداقت وامنیت است.6- سپس به من گفت به تحقیق کامل شد، من همان الف و یای، بدایت ونهایت هستم. من تشنه را از سرچشمه ی آب حیات مجانی سیراب می کنم. 7- کسی که پیروز شود، هر چیزی را به ارث می برد، وبرای او خدا می شوم و او برای من فرزندی می شود...)

**والألف والياء ، والبداية والنهاية هو : الإمام المهدي ، والذي يغلب هو نفسه الأسد الذي يغلب في أول الرؤيا ، وهو المهدي الأول واليماني .**

**والأمر يطول إذا أردتم استقصاء النصوص فهي كثيرة جداً ، لا ينكرها ويحرفها ، وينكرني إلا أهل الباطل وطلاب الباطل ( لعنهم الله ) .**

امام مهدی(ع) الف ویاء وآغاز و نهایت است، و او همان شیری که در اول رویا پیروزمی شودو او مهدی اول ویمانی است.

واین طولانی می شود، هنگامی که بخواهید در متونی که بسیار زیاداند آن را بیابید.کسی نمی تواند منکرآن[ولایت] شود وآن را تحریف کند و کسانی منکرمن می شوند که اهل باطل و دانشجویان باطل اند(لعنت خدا بر آنها باد).

**أطيعوا الله وسيروا إلى الله ، وانظروا في ملكوت السماوات ، واسمعوا من ملكـوت السماوات ، اغسلوا الطين وطهروا أنفسكم واسمعوا الله فهو يتكلم مع الناس في كل شي منذ زمن بعيد ، ولكن الناس لا يسمعون : ﴿ … لَهُمْ قُلُوبٌ لا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لا يَسْمَعُونَ بِهَا … ﴾.**

خدا را اطاعت کنید وبسوی خداحرکت کنید و در ملکوت آسمان ها بشنوید، گِل را بشوئید ونفس خود را پاک کنید وبه خداوند گوش کنید، پس او با مردم سخن می گوید درباره ی هر چیز از زمان های بسیار دور ولی مردم نمی شنوند: *﴿* … لَهُمْ قُلُوبٌ لا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لا يَسْمَعُونَ بِهَا … *﴾([[9]](#footnote-9))*.(آنها دلها [عقلها] یی دارند که با آن(اندیشه نمی‌کنند، و) نمی‌ فهمند؛ و چشمانی که با آن نمی‌بینند؛ و گوشهایی که با آن نمی‌شنوند؛ آنها همچون چهار پایانند؛ بلکه گمراهتر! اینان همان غافلانند(چرا که با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند)!

**اشهدوا بما تسمعون وترون في ملكوت السماوات ، عرِّفوا الناس بالحق ، وادعوا الناس إلى الحق ، وادعوا الجميع إلى المائدة التي نزلت من السماء ، فربما لن يحضر إليها من يظهرون أنهم يطيلون الصلاة والدعاء ، بل يحضر إليها الزناة وشاربو الخمر والخاطئون فيتوبوا إلى الله ، لهذا أنا بُعثت ، لإصلاح هؤلاء ، طوبى لهم إن تابوا وحضروا إلى مائدة عرس الخروف ، طوبى لمن لا يعثر بي .**

به آنچه را که در ملکوت آسمان می شنوید و می بینید، شهادت بدهید. به مردم حق را معرفی کنید و مردم رابه حق دعوت کنید، وهمه رابه این سفره ای که از آسمان نازل شده دعوت کنید، پس ممکن است بعضی ها روی این سفره حاضر نمی شوند، آنهایی که به ظاهر نماز و دعای خود را طولانی   
می کنند. بلکه آنهایی روی این سفره حاضر می شوند که زناکار و شراب خوار و خطاکاران اند، پس بسوی خدا توبه کنید، برای همین من مبعوث شدم، برای اصلاح این ها [گناهکاران].خوشا به حال آنهایی که توبه کردند و به سفره ی عروسی گوسفند نر حاضر شدند. خوشا به حال کسانی که به من شک وگمانی ولغزشی ندارند.

**\* \* \***

**في إنجيل متى الإصحاح الثاني والعشرون** در انجیل متی اصحاح بیست و دوم

**( 1 وجعل يسوع يكلمهم أيضاً بأمثال قائلاً . 2 يشبه ملكوت السموات إنساناً ملكاً صنع عرساً لإبنه . 3 وأرسل عبيده ليدعوا المدعوين إلى العرس فلم يريدوا أن يأتوا . 4 فأرسل أيضاً عبيداً آخرين قائلاً قولوا للمدعوين هو ذا غدائي أعددته . ثيراني ومسمناتي قد ذبحت وكل شئ معد . تعالوا إلى العرس . 5 ولكنهم تهاونوا ومضوا واحد إلى حقله وآخر إلى تجارته . 6 والباقون أمسكوا عبيده وشتموهم وقتلوهم . 7 فلما سمع الملك غضب وأرسل جنوده وأهلك أولئك القاتلين وأحرق مدينتهم . 8 ثم قال لعبيده أما العرس فمستعد وأما المدعوون فلم يكونوا مستحقين . 9 فاذهبوا إلى مفارق الطرق وكل من وجدتموه فادعوه إلى العرس . 10 فخرج أولئك العبيد إلى الطرق وجمعوا كل الذين وجدوهم أشراراً وصالحين . فامتلأ العرس من المتكئين . 11 فلما دخل الملك لينظر المتكئين رأى هناك إنساناً لم يكن لابساً لباس العرس . 12 فقال له يا صاحب كيف دخلت إلى هنا وليس عليك لباس العرس . فسكت . 13 حينئذ قال الملك للخدام اربطوا رجليه ويديه وخذوه واطرحوه في الظلمة الخارجية . هناك يكون البكاء وصرير الأسنان . 14 لأنّ كثيرين يدعون وقليلين ينتخبون … )**

(1- وعیسی را قرار داد که با آنها سخن بگوید، با تشبیه گفت.2- انسانی پادشاه شبیه به ملکوت آسمان ها، عروسی برای فرزندش درست کرده بود.3- و بندگانش رافرستادبه کسانی که برای عروسی دعوت شدند را دعوت کنند، پس نمی خواستند بیایند.4- پس بندگان دیگری نیز فرستاد، به آنها گفت که بگویند به کسانی که دعوت شدند، نهار را آماده کردم.گاوهای نر و حیوانات پرچرب را ذبح کردم وهر چیز آماده است، وبرای عروسی بیایید.5- ولی آنها[دعوت اورا] سبک شمردند و یکی به بهانه ی مزرعه اش ودیگری بخاطر تجارت اش ماندند.6- وبقیه ی بندگان او را گرفتند وبه آنها ناسزا گفتند وکشتند.7- پس هنگامی که پادشاه شنید، غضبناک شد، سربازان اش را فرستاد و آن قاتلان را هلاک کرد و شهر آنها رابه آتش کشید8- سپس به بندگانش گفت، اماعروسی آماده است، ولی کسانی که دعوت شدند، مستحق نبودند.9- پس به جاهایی که راه ها از هم جدا می شوند، بروید. وهر کسی راکه یافتید برای عروسی دعوت اش کنید.10- پس آن بندگان بسوی[تقاطع] راه ها حرکت کردند، همه ی کسانی راکه پیدا کردند، از اشرار و صالحین همه را جمع کردند، پس عروسی پرشد از آنهایی که تکیه کرده بودند. 11- پس هنگامی که پادشاه داخل شد وبه آنهایی که تکیه کردندنگاه می کرد، دید که آنجا یک انسانی لباس عروسی را نپوشیده بود.12- پس به او گفت ای دوست چگونه وارد اینجا شدی ولباس عروسی نداری، پس ساکت شد.13- دراین هنگام پادشاه به خدمتکاران گفت، پاهاودست های او را ببندید و او را ببرید ودر تاریکی خارج قراردهید. آنجاست که گریه می کنند وصدای بهم خوردن دندان هاست.14- چرا که عده ی زیادی دعوت می شوند وعده ی کمی انتخاب می شوند...)([[10]](#footnote-10))

**كثيرون من النصارى ينتظرون عيسى هذه الأيام ، ويعلمون أنها أيام عودته وأيام القيامة الصغرى ، فنبهوهم إن بعث عيسى كان في المشرق وكذلك عودته ، والرسول ( المعزي ) الذي أخبر عنه في الإنجيل ، وأن عيسى سيرسله سيكون في الشرق ، بل إنّ الملاحم في آخر الزمان ستكون في الشرق ، وفي العراق بالخصوص كما ذكرت رؤيـا يوحـنا ، وسمت العراق ( بابل العظيمة ) .**

در این روزها عده زیادی از مسیحیان منتظر عیسی(ع) هستند ومی دانند که این روزها بازگشت اوست و روز قیامت صغری است. پس آنها را بیدار کنید که بدرستی عیسی(ع) مبعوث شده است، در مشرق بود، و همچنین بازگشت او، ورسول(المعزی) کسی که در انجیل از او خبرداد وبدرستی که او عیسی را می فرستد، در مشرق خواهد بود، بلکه جنگ ها در آخر زمان در شرق وعراق خواهد بود، بخصوص همانطوری که من در رویای یوحنا یاد کردم وعراق را(بابل عظیم) نامید.

**أخبروهم أنّ الأسد الذي من سبط يهوذا أصل داود قد غلب ليفتح السفر ويفك ختومه .**

**قال علي: ( ما من علم إلا وأنا أفتحه ، وما من سرّ إلا والقائم يختمه ).**

به آنها خبر دهید که شیری که از فرزندان یهوذا اصل داوود به تحقیق پیروزشد تا کتاب را بازکند و مهرهای آن را بازکند.

علی(ع)گفت: هیچ علمی نیست مگرمن آن را بازکنم وهیچ سری نیست مگرقائم آن را مهرکند.

**\* \* \***

**وفي رؤيا يوحنا الإصحاح الخـامس** ودر رویای یوحنا دراصحاح پنجم

**( … هو ذا قد غلب الأسد الذي من سبط يهوذا أصل داود ليفتح السفر ويفك ختومه السبعة . 6 ورأيت فإذا في وسط العرش والحيوانات الأربعة وفي وسط الشيوخ خروف قائم كأنه مذبوح … ) .**

(...او به تحقیق پیروز است، شیری که از فرزندان یهوذا اصل داوود، تا کتاب را بازکند وهفت مهرآن را بگشاید.6- و در این هنگام دیدم در وسط عرش وآن چهار حیوان ودرمیان پادشاهان گوسفندنر، گویا ذبح شده است...)

**\* \* \***

**وفي الإصحاح السادس** ودراصحاح ششم

**( 1 ونظرت لما فتح الخروف واحداً من الختوم السبعة وسمعت واحداً من الأربعة الحيوانات قائلاً كصوت رعد هلم وانظر . 2 فنظرت وإذا فرس أبيض والجالس عليه معه قوس وقد أعطي إكليلاً وخرج غالباً ولكي يغلب 3 … ) .**

(1- ونگاه کردم، هنگامی که گوسفند نریکی از هفت مهر را بازکرد وشنیدم یکی از آن چهار حیوان گفت ومانند صدای رعد مرا فراخواند وگفت، نگاه کن.2- پس نگاه کردم ودر این هنگام اسب سفیدی که یک نفر دارای کمان بود، روی آن نشسته است وبه تحقیق تاجی به اوداده می شود و پیروز خارج شده تا پیروز شود.3-...)

**أخبروهم أنّ ( الخروف القائم المذبوح ) قد جاء ، فمن شاء أن يغسل ثيابه بدمه فليفعل ليطهر ويتقدس ، ويكون له نصيب في ملكوت السماوات وليرى في ملكوت السماوات .**

به آنها خبر دهید که(گوسفند نر قائم ذبح شده) به تحقیق آمد، پس کسی که بخواهد لباس هایش را با خون او بشوید، پس باید عمل کند و تا پاک وطاهر ومقدس شود وتا برای اودر ملکوت آسمان ها نصیبی شود تا درملکوت آسمان ها دیده شود.

**المذنب المقصر**

**أحمـد الحسن**

**ربيع الثاني / 1427 هـ . ق**

1. - بحار الانوار : ج 95 ص 225. [↑](#footnote-ref-1)
2. - حج:74. [↑](#footnote-ref-2)
3. - زخرف : 28. [↑](#footnote-ref-3)
4. - شعراء : 27. [↑](#footnote-ref-4)
5. - قمر:25. [↑](#footnote-ref-5)
6. - أنبياء : 5. [↑](#footnote-ref-6)
7. - بقره:118. [↑](#footnote-ref-7)
8. - در آخر کتاب عهد جدید - انجیل [↑](#footnote-ref-8)
9. - أعراف : 179. [↑](#footnote-ref-9)
10. - کتاب مقدس ج 2 مجمع الکنائس الشرقیه ص 40. [↑](#footnote-ref-10)